

# جوین خراسان و جوین سیستان گویان یا کوبان؟

تصحیحی در حواشی زین الاخبار گردیزی

دانشمند گرامی مؤید ثابتی از مشهد نامه بی باین جانب فرستاده و در ضمن آن حسن نظر و قدردانی خود را از نشر و تحشیه و تعلیق زین الاخبار گردیزی ابلاغ داشته اند، که برای نویسنده این سطور موجب امتنان و مسرت است، همواره بتائیدات الهی مؤید باد.

درین نامه مینویسند: در صفحه (۱۰۱) فصل عبدالله بن عامر بن کریم مرقوم شده است: کویان همین جوین فراه است.

جوین ولایتی است بین اسفراین و سبزوار و مولد و موطن شمس الدین محمد صاحب دیوان جوینی و عطا ملک جوینی صاحب تاریخ جهانگشاست. آزادوار یکی از قصبات جوین است و اکنون یکی از ایستگاه های راه آهن طهران مشهد است و بهمین نام نامیده میشود، نام قدیم جوین، کوبان با (ب) نه یا (ی) بوده است. در کتاب لباب الالباب مینویسد:

"ملك السادات نیشابوری صاحب دیوان استیفای نیشابور بود، وقتی از وی استماع افتاد که وقتی به اسفراین رفته شد، در اثنای راه این رباعی اتفاق افتاد:

تاریخ درین زمانه آئین آمد  
گویی که برای من مسکین آمد  
از جور سپهر سبزوار این دل من  
کوبان کوبان باسفراین آمد

سبزوار و اسفراین و کوبان سه ولایت است، سخت نیکو نشان داده است (لباب الالباب ص ۱۲۶).

این تذکر دوستانه جناب مؤید ثابتی، برای من که وسواسی درین گونه موارد دارم سابق شد که باوراق پارینه بنگرم و اگر سهوی افتاده باشد تلافی کنم.

در زین الاخبار گردیزی (ترتیب حبیبی) ص ۹۳ در جدول امرای خراسان، دارالملک عبدالله بن عامر را در حدود ۲۳ هـ کویان می نویسد که در هر دو نسخه خطی زین الاخبار نقاط ندارد و در حاشیه آن نوشته ام: "املائی صحیح آن گویان = گوین و جوین معرب است و این غیر از جوین خراسان باشد که در قرب فراه در ناحیت سیستان واقع بود و تاکنون هم جوین نامیده میشود". (ص ۹۸)

بعد ازین در ص (۱۰۱) وارد است که: "عبدالله بن عامر" بقومس آمد و پس به گویان آمد و آنجا مقام کرد و از آنجا به آزادوار آمد و صلح کرد و دختر ملحان گویانی را بگرفت و به عبدالله بن خازم داد بزنی" درینجا بر حاشیه کلمه گویان نوشته ام: "گویان همین جوین فراه است که شرحش گذشت".

در صفحه (۱۳۱) زین الاخبار جاییکه پیکارهای علی بن عیسی بن ماهان را با حمزه خارجی در سیستان شرح دهد مینویسد: "و علی بن عیسی چند تن از سرهنگان خویش را به اوق فرستاد و به گوین". که درینجا در هر دو نسخه (به) با کاف متصل نوشته شده و نقطه هم ندارد و من در حاشیه نوشته ام: "گوین یا گویان همین جوین

فرا هست".

در صفحه (۱۵۹) گوید: "بکر بن مالك ... با حشم بیرون آمد و به ده آزادوار فرود آمد و از روستای گویان". در حاشیه این عبارت نوشته ام: "گویان" جوین. و این غیر از گویان یا جوین سیستان است". جوین خراسان:

بدین نمط در تاریخ گردیزی دو گویان مذکور است که یکی در خراسان واقع بود و در تاریخ بانتساب خانواده صاحب‌دیوان و مؤرخان و علماء شهرت فراوان دارد، و این همان است که در صفحات (۹۸، ۱۰۱ و ۵۹) زین الاخبار بشکل گویان مضبوط است".

در قدیمترین منابع جغرافی عربی، این جوین را از شهرهای نشابور گفته اند. این رسته و ابن خردازبه گویند: از شهرهای نشابور زام، باخرز، جوین و بیهق است<sup>(۱)</sup>.

یاقوت و ابن اثیر تصریح میکنند که جوین برشهره بسطام و نشابور واقع است که مردم خراسان آنرا گویان گفتندی، چون معرب شد جوین گشت. بسوی قبله بیهق است و از شمال بحدود جاجرم پیوسته که قصبه آن آزادوار باشد. گوین منسوبست بنام یکی از حکمرانان آن. و یا اینکه نسبت آن به کوی است که (۱۹۸) قریه دارد و از نشابور ده فرسخ است، و عده بزرگ علماء بدان منسوبند<sup>(۲)</sup>.

بقول حمدالله مستوفی مرکز گویان (جوین معرب) در آزادوار بود، ولی در قرن هشتم هجری (= چهاردهم میلادی) به فریومد انتقال یافت که شهرستان آنجاست<sup>(۳)</sup>.

املای گویان به ضمه اول و سکون واو که اصل آن گویان بود در خود محیط خراسان تا حمله مغل رواج داشته، ولی اعراب از اوائل ورود خود آنرا معرب و جوین ساخته اند<sup>(۴)</sup> و مؤلفان عربی که بدین سرزمین نیامده و از مردم خراسان نام آنرا ننشیده اند، بشکل معرب جوین نوشته اند، ولی محمد بن احمد مقدسی که خراسان و سیستان را دیده بود، در حدود (۳۷۸ هـ) گویان مینویسد و گوید: "روستای وسیع کثیرالخیر است که میوه ها و غله ها و پوشاکها از آن خیزد"<sup>(۵)</sup>، و در صفحه دیگر کتاب او جوین هم آمده که نسخه بدل آن گویان است<sup>(۶)</sup>. جوین فراه یا سیستان:

در ص (۱۳۱) زین الاخبار گردیزی کوین در سرزمین سیستان در ردیف اوق هم آمده که اکنون در ولایت فراه افغانستان یک ناحیت حاکم نشین بنام لاش و جوین موجود است، و یکی از حکمرانان متاخر شاه حسین سیستانی در حدود (۱۰۲۸ هـ) آنرا بنام قلعه لاش و قلعه جوین ذکر کرده است<sup>(۷)</sup>.

این جوین فراه نیز از قدیم بهمین نام معروف بود. الیعقوبی جوین را از کوره های سیستان میدانند<sup>(۸)</sup>، و ابن رسته گوید: که از وادی فره به جویند آیند<sup>(۹)</sup>. مقدسی کوین را بشمول فره از نواحی زرنج شمارد<sup>(۱۰)</sup> و باز در شرح سیستان آنرا از شهرهای این ناحیت داند<sup>(۱۱)</sup> و گوید: کوین (به ضمه اول و فتحه دوم) شهریست که حصن منبع بزرگی دارد، و چون خوارج درانند منبری ندارد<sup>(۱۲)</sup>. از زرنج بفاصله یک مرحله کرکویه و بعد از آن بمسافه یک مرحله بستر و پس از یک مرحله جوین واقع است<sup>(۱۳)</sup> و بقول ابن حوقل از همین جوین تابست نیز یک مرحله بود<sup>(۱۴)</sup>، که عین همین فواصل اصطخری نیز از بستر به جوین و ازینجا تا بست می شمارد<sup>(۱۵)</sup>.

چنانچه در احسن التقاسیم نوشته شده، در تاریخ سیستان نیز بهمین املا (کوین) در نواحی سیستان و فراه آمده<sup>(۱۶)</sup>، و بو نصر حمدان کوینی منسوب بدان است<sup>(۱۷)</sup> که در کتب کنونی نیز آنرا در شرح جغرافیای تاریخی سیستان و نقشه های مرتبه آن آورده اند<sup>(۱۸)</sup>.

جوین سرخس :

ابن اثیر از يك جوین دیگری که در سرخس واقع بود نیز نام می برد و گوید که سمعانی صاحب الانساب بدو جوین مذکور اشاره کرده ولی جوین سوم را که یکی از قرای سرخس بوده نیاورده است، و باین جوین سرخس ابوالمعالی محمد بن حسن جوینی سرخسی منسوبست که امام فاضل پرهیزگار و فقیهی بود از تلامیذ علی ابی الحسن شرمقانی<sup>(۱۹)</sup>.

اینست آنچه درباره هر دو جوین خراسان و سیستان رواج داشته که املائی گویان = گوین = جوین درباره هر دو جوین خراسان و سیستان رواج داشته و در مورد جوین سرخس فقط املائی معرب آن دیده شده است. نتیجه :

اکنون از جناب مؤید ثابتی ممنون باید بود، که چنین مطلبی را یاد آوری کردند و از روی شرحی که داده است، در حاشیه صفحه (۹۸ و ۱۰۱) تصحیحی وارد می شود، که مراد از گویان یا جوین مذکور درین صفحات زین الاخبار جوین خراسان است نه جوین سیستان. زیرا به قرینه ذکر آزادوار و قومس توان گفت که دارالملک عبدالله بن عامر در حدود ۲۳ هـ گویان = جوین واقع خراسان در نزدیکیهای آزادوار کنونی بود و هم ملحان گویانی که دختر او را عبدالله بن خازم گرفت از همین گویان خراسان بود.

اما اینکه مراد ملك السادات نیشابوری صاحب دیوان در رباعی سابق الذکر از کوبان همین گویان یا جوین خراسان باشد مورد تأمل است. زیرا در کتب سلف و خلف ابدأً و اصلاً چنین املائی برای جوین یا گویان یا گوین وارد نیست و اگر کوبان از ماده کوب و کوبیدن و کوفتن باشد پس با کاف عربی و (ب) است نه گویان.

ماده کوب با رنج و تعب و مشقت متلازم است، "رنج و کوب" درین بیت اسدی بطور اتباع آمده است :

تو در پای پیلان بدی خاشه روب

کواره کشی پیشه با رنج و کوب

(لغت فرس ۳۱)

که علامه دهخدا هم آنها را از اتباع رنج بمعنی مشقت و تعب شمرده است (حاشیه برهان ص ۱۷۱۸). چون در رباعی ملك السادات که جناب مؤید ثابتی نقل فرموده اند، رنج زمانه و جور سپهر مطرح است، بنا بر این کوبان با (ب) صحیح خواهد بود، ولی نه این گویان خراسان. بلکه در همین نواحی کوبان یکی او قرای مرو بود، که بشکل جوین معرب گردید<sup>(۲۰)</sup>.

بیاد دارم که روزی در کراچی با مرحوم نفیسی که لباب الالباب عوفی را با تحشیه و تعلیق نشر کرده بود، درباره املائی این کتاب که گویان است یا کوبان؟ گفتگو افتاد و در آنجا من قرائت برخی از ارباب ذوق را که گویان گویان بمعنی سبزوار و نالان است شرحی دادم و به املائی قدیم و نام اصیل گویان خراسان که در همین نواحی سبزوار و اسفراین است اشاره کردم. وی گفت : کوبان درین نواحی نیست و بنا برین املائی گویان مرجح باشد، ولی در حین تحشیه و طبع کتاب، ملتفت نبوده است.

خود من از جناب ثابتی بسیار ممنونم که یاد آوری دوستانه وی موجب تصحیح حواشی دو صفحه زین الاخبار گشت. ولی این سخن را که در رباعی ملك السادات کدام املا معتبر و سازگار تر است باریاب ذوق و ادب میگذارم، و من هر دو توجیه را نوشتم<sup>(۲۱)</sup>.

ماخذ

۱. الاعلاق النفیسه ص ۱۷۱ و المسالك والممالك ۲۴.
۲. معجم البلدان ۲/۱۹۲ و اللباب ۱/۲۵۶.
۳. نزهة القلوب ۱۸۴.
۴. كتاب البلدان ابن فقیه که در حدود ۲۹۰ هـ تدلیف شده ص ۳۱۹.
۵. احسن التقاسیم ۳۱۸.
۶. همین ۳۲۲.
۷. احياء الملوك ۹۹، در تاریخ سیستان لاش را قلعه سپید دزاق هم گفته است (ص ۴۰۴) که بعد از آن به قلعه سفید کوه مشهور بود (ص ۴۰۶).
۸. كتاب البلدان ۲۸۱.
۹. الاعلاق النفیسه ۱۷۴.
۱۰. احسن التقاسیم ۵۹.
۱۱. همین ۲۹۶.
۱۲. همین ۳۰۶.
۱۳. همین ۳۵۰.
۱۴. صورة الارض ۴۲۱.
۱۵. مسالك الممالك ۴۲۱.
۱۶. تاریخ سیستان ۲۰۷ - ۳۳۶.
۱۷. همین ۲۹۹.
۱۸. جغرافیة خلافت شرقی ۳۴۲ و نقشه سیستان و قوهستان و خراسان.
۱۹. اللباب ۲۵۷/۱ که عین همین مطلب را یاقوتی نیز آورده است (معجم البلدان ۱/۱۹۳).
۲۰. معجم البلدان ۱/۱۷۶.
۲۱. مجله یغما، سال ۱۳۵۱ ش، شماره دهم، ص ۶۰۲ - ۶۰۵.